

اثر بخشی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر اصفهان

حسین افلاکی فرد^{۱*}، لیلا نائینی داورانی^۲

۱- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، فارس، ایران.

۲- کارشناس ارشد مشاوره مدرسه دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مشاوره، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی اثربخشی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی بود. این پژوهش با توجه به هدف از نوع کاربردی است که با استفاده از روش نیمه تجربی با طرح پیش آزمون - پس آزمون و گروه کنترل و آزمایش انجام شده است. روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی، تعداد ۳۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب و پرسشنامه رشد اجتماعی وایلند بر روی والدین آنها اجرا شد. گروه آزمایش در ۸ جلسه تحت آموزش بازی‌های نمایشی قرار گرفتند. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار spss و آزمون آماری تحلیل کوواریانس آنالیز شدند. که نتیجه چنین به دست آمد که میزان F رشد اجتماعی برابر با ۲۵/۶۴۳ گردیده که این مقدار با درجات آزادی (۱ و ۲۷) در سطح ۰/۰۰۱ معنادار گردیده و از آنجا که این مقدار از ۰/۰۵ کمتر می باشد بنابراین نتیجه

گرفته شد که میزان رشد اجتماعی گروه آزمایش و گواه با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. به عبارتی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان تاثیر معنادار دارد. **واژه‌های کلیدی:** بازی نمایشی، رشد اجتماعی، دوره ابتدایی، کودکان.

مقدمه و بیان مسأله

بازی موثرترین شیوه در دوره ابتدایی است به همین دلیل است که امروزه نقش مهم بازی‌های نمایشی در تعلیم و تربیت کودک بر همگان آشکار شده، و این مبحث مورد توجه بسیاری از روانشناسان قرار گرفته و به عنوان اهرمی نیرومند و موثر در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش شناخته شده است. از طریق بازی رشد شخصیت، سلامت اجتماعی شدن کودک تحقق می‌یابد و می‌توان کودکانی که ناسازگاری‌های رفتاری و عاطفی دارند را نیز درمان نمود. کودکان در بازی، نیازهای خود را مطرح می‌کنند تا به تخلیه روانی برسند. ما از این طریق می‌توانیم آسیب‌پذیری کودکان را کاهش دهیم تا اهمیت این مقوله برای ما روشن شود.

رشد اجتماعی مهمترین جنبه وجود هر شخصی است. چون فرض بر این است که کودکان بدون رشد اجتماعی و داشتن مهارت‌های لازم قادر نیستند در تعامل اجتماعی با سایرین وظایف خود را انجام دهند. کسانی که در زمینه رشد اجتماعی به شکوفایی رسیده‌اند، به سطحی از مهارت در روابط اجتماعی دست یافته‌اند که می‌توانند با مردم به راحتی زندگی سازگارانه‌ای داشته باشند. پژوهش‌ها نشان داده است که ارتباط بین معلم و کودک، بسیاری از خواص و عملکرد، روابط مثبت و نزدیک بین کودک و والدین را دارا است به این ترتیب پشتیبانی کردن از روابط با کیفیت بالا، یا ارزش قائل شدن به این روابط برای رشد اجتماعی کودکان لازم است (مقتدری، ۱۳۹۰).

میزان رشد اجتماعی کودک از طریق شرکت در امور جمعی به الگوی رفتار اجتماعی که پدر و مادر به او داده‌اند بستگی دارد. رشد اجتماعی کودکانی که در فعالیت‌های اجتماعی از سوی خانواده محدود شده‌اند به مراتب کمتر از کودکانی بوده است که از شرایط مناسب تر و آزادی بیشتر بهره مند بوده‌اند. عدم رشد اجتماعی کودک به علت کمبود تماس با دیگران

موجب کاهش تمایل و تماس با مردم، بی‌علاقگی به زندگی اجتماعی، تضعیف نیروی ابتکار و ناتوان جلوه‌گر شدن کودک در طرح زندگی آینده می‌شود.

بازی کمک موثری به اجتماعی ساختن کودک می‌نماید. در اولین سالهای دبستان بچه‌ها بیشتر به بازی‌هایی علاقه‌مند می‌شوند که بتوانند در آن مهارت و ورزیدگی پیدا کنند. در نتیجه توجه و ایجاد امکانات برای بازی، به کودکان فرصت می‌دهد تا بهتر پرورش یابند و بهتر یاد بگیرند. بنابراین بازی می‌تواند تقریباً به تمام هدفهای تربیتی از قبیل رشد بدنی و ذهنی، فهم عمومی و تربیت اخلاقی کودکان کمک کند (آریا، ۱۳۵۹: ۲۸).

بازی یک فعالیت طبیعی، مطبوع و دلخواه است که دامنه گسترده‌ای دارد و انجام آن آسان است. بازی‌ها متعددند؛ یکی از انواع بازی‌ها بازی نمایشی است. از راه بازی نمایشی و دادن نقش‌های مختلف به کودکان می‌توان آنان را به بروز رفتارهای خاصی واداشت. از طرف دیگر تماشای بازی نمایشی از جانب کودکان می‌تواند به صورت یادگیری مشاهده‌ای و الگوپذیری از بازیگران، رفتارهای خاصی را برانگیزد. این رفتارها می‌توانند چگونگی برقراری ارتباط اجتماعی باشند (احمدی و نورانی، ۱۳۸۰: ۲۱-۴۰).

ارزش‌های مثبت بازی‌های نمایشی شاید بیشتر از هر فعالیت خلاق دیگر مورد توجه روانشناسان تعلیم و تربیت است، چرا که کودکان و نوجوانان در این بازی‌ها از فرصت‌های زیادی برخوردارند تا احساسات خود را ضمن نقش‌هایی که بازی می‌کنند مستقیماً تعبیر نمایند. از دیگر ارزش‌های مثبت بازی نمایشی این است که فرصت‌های خوبی برای رشد و تکامل عواطف کودکان و نوجوان فراهم می‌سازد. زیرا در این وضع طبیعی است که کودک و نوجوان می‌توانند به طور مطلوبی درست احساس کنند، هر هیجان عاطفی را بروز دهند. همچنین آنها با همانند سازی با اشخاص گذشته و در جای دیگر و در اوضاع و شرایط گوناگون و متنوع، تجارب زنده خود را گسترش می‌دهند و مهارتهایی را در خود رشد و تعالی می‌بخشند (اکبرلو، ۱۳۸۵: ۳۱).

همچنین در عصر امروز و با توجه به پیچیدگی جوامع و بروز ناهنجاری‌های روانی و رفتاری در بین کودکان و نوجوانان، لزوم پرداختن به فرایند اجتماعی شدن آنها و مطرح کردن راهبردهای صحیح برای تقویت و شکوفایی این پدیده بیش از پیش احساس

می‌شود. معیارهای اصلی رشد و تحول اجتماعی شامل سازگاری با دیگران و رعایت حال و خواسته‌های منطقی و مشروع اطرافیان است. بدیهی است که اگر کودک یا نوجوانی به سازگاری با خویشان نرسیده باشد قادر به سازگاری با اطرافیان نیست. هدف نهایی رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان کمک به آنان به منظور دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی در مسیر رشد و کمال شخصیت آدمی است (سیف نراقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷-۵۸).

بازی، گروه‌های همسالان و روابط خانوادگی نقش مهمی در اجتماعی شدن کودک در این دوره برعهده دارند. بازی‌های ساختنی مانند ساخت وسایل با اشیاء مختلف، بازی‌های اکتشافی مانند کشف جاهای جدید در خارج از خانه، جمع آوری اشیاء، بازی‌های ورزشی و بازی‌های سرگرم کننده مانند مطالعه، معماهای مصور و شکل‌های مصور خنده دار، رادیو و تلویزیون، رؤیاهای روزانه و خیالبافی انواع مختلف بازی‌های مورد علاقه کودک را تشکیل می‌دهند (پلگرینو، مارجوی، ۱۳۸۶: ۵۴).

مک لاند و موریسون (۲۰۰۳) معتقدند که تمرینات اجتماعی شدن روی رشد اجتماعی کودکان تأثیر می‌گذارد. در اوایل کودکی احترام به دیگران، مشارکت و همکاری، رفتارهای جامعه پسند هستند و به عنوان مهارت‌های مرتبط با یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرند (پور شکوری شارمی، ۱۳۸۹).

امروزه بازی درمانی تا جایی پیشرفت داشته است که به عنوان یک عامل موثر و مفید در بهداشت روانی از آن استفاده می‌شود. از طریق بازی، می‌توان کودکانی که ناسازگارهای رفتاری، اختلال عاطفی و روانی و مشکلات خانوادگی دارند را درمان نمود. رفتارها و امیال سرکوب شده آنان را کاهش داد. یک نوع از بازی‌های که به صورت غیر مستقیم تأثیر زیادی دارد بازی‌های نمایشی است.

پژوهش‌های فراوانی در خصوص تأثیر بازی درمانی و اجرای هنرهای نمایشی در خصوص کودکان با مشکلات تجسمی و روحی بعمل آمده است. مالون و استونمن با تحقیق بر روی ۱۲ کودک کم توان پیش دبستانی که نتایج ضعیفی در آزمون‌های ارتباطات اجتماعی داشتند، نتیجه گرفتند که با ارائه هنرهای نمایشی می‌توان توانایی شناختی و ارتباطی اینگونه کودکان را افزایش داد (مالون و استونمن، ۱۹۹۰: ۸۷).

به نظر مید (تئوری تعاملی) بازی جزء مهمی از زندگی کودکان، رشد اجتماعی و جریان اجتماعی شدن هر کودک است، که یک جریان پایان‌ناپذیر است و توسط هر کس و در هر سنی، تجربه می‌شود. در این جریان احساس خود رشد می‌کند. در بازی کودکان، به تعامل با دیگر همبازی‌ها، اشیاء و جهان اطرافشان می‌پردازند. در بازی، کودکان در موقعیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند، آنها نگرش و قوانین دیگران را یاد می‌گیرند، و فرایند اجتماعی شدن آن در میان دیگر کودکان افزایش می‌یابد (نسائی مقدم، ۱۳۹۰).

نتایج تحقیقات انجام شده در داخل کشور بیانگر تأثیر هنرهای نمایشی در زمینه‌های متعدد آموزشی و تربیتی در مورد کودکان کم‌توان ذهنی و عادی است پژوهشگر در این تحقیق بدنبال آن است که تأثیر هنرهای نمایشی را به عنوان یک عامل مؤثر در بهبود عملکرد اجتماعی کودکان نشان دهد (جلیوند، ۱۳۸۳: ۶۳-۷۸).

اهمیت و ضرورت پژوهش

معیارهای اصلی رشد و تحول اجتماعی شامل سازگاری با دیگران و رعایت حال و خواسته‌های منطقی و مشروع اطرافیان است. بدیهی است که اگر کودک یا نوجوانی به سازگاری با خویشان نرسیده باشد قادر به سازگاری با اطرافیان نیست. هدف نهایی رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان کمک به آنان به منظور دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی در مسیر رشد و کمال شخصیت آدمی است (سیف نراقی و همکاران، ۱۳۹۰).

اهمیت استفاده از بازی در رشد همه جانبه کودکان تاحدی است که از دیرباز مورد توجه بزرگان تعلیم و تربیت نظیر افلاطون، ارسطو، روسو، خواجه نصیر الدین طوسی و امام محمد غزالی بوده است. دانشمندان معاصر نظیر مونتسوری، فروبل و دکرولی با صراحت بیشتری به اهمیت بازی اشاره کرده‌اند و حتی برخی استفاده از بازی را به عنوان عمده‌ترین وسیله آموزش کودکان برای یادگیری موضوعات مختلف مورد تأکید قرار داده‌اند (مهجور، ۱۳۸۶: ۳۱).

مارکوس (۱۹۹۲)، به اثر مثبت هنرهای نمایشی در گفتار درمانی کودکان کم‌توان ذهنی که در ادای کلمات دچار مشکل بودند، اشاره می‌کند. وی با انجام تحقیق در مرکز نگهداری و آموزش کودکان کم‌توان ذهنی "ولفان" لندن نتیجه‌گیری کرد که بازی درمانی و اجرای

هنرهای عروسی اثر بسیار مفیدی بر پیشرفت ذهنی و ادای مطلوب کلمات در این قبیل کودکان خواهد داشت. بازی برنامه‌ای متعادل و فرایند محور را فراهم می‌آورد که همه اهداف رشدی را تحقق می‌بخشد، بازی رشد فرایندهای یادگیری هم چون مشاهده، تجربه آموزی، حل مساله و اخلاقیات را در کودکان تقویت می‌کند و در همین حال به ارتقای مهارت‌های جسمی، گفتارهای اجتماعی کمک می‌کند، بالاخره بازی یادگیری را برای کودکان لذت بخش می‌سازد و در آنان انگیزه‌ای مداوم برای مدرسه رفتن و یادگیری‌های مدرسه‌ای به وجود می‌آورد (علیلو، ۱۳۹۲).

یکی از ارزشهای مهم بازی نمایشی، مسئله‌درمانی آن است بازی نمایشی به عنوان یک اهرم قوی و موثر برای از بین بردن مشکلات و ناراحتی‌های یک کودک عمل می‌کند. در زندگی روزمره، کودک نیاز دارد از تشنجهایی که توسط محدودیت‌های محیطی به او تحمیل می‌شود رهایی یابد و همچنین راهی برای انرژی‌های سرکوب شده و تحت فشار قرار گرفته خود بیابد. بدین ترتیب، روحیه گوشه‌گیری و کناره‌پذیری از او دور می‌شود. بازی‌های نمایشی، توجه کودک را به اطراف و محیط زندگی اش معطوف ساخته و او را به یک عنصر سالم، فعال و زنده تبدیل می‌کند. کودک به هنگام بازی حرف می‌زند، حرکت می‌کند، نقش می‌آفریند و جنبه‌های تخیلی خود را به صورت رفتار متبلور می‌سازد که از این رهگذر بر ترس فائق می‌آید و خجالت و گوشه‌گیری را کنار می‌گذارد (الیاسی، ۱۳۸۸).

در بررسی تأثیرات درمان از طریق نمایش عروسی، می‌توان به تحقیقات گوستا و ولتمن در بخش روان‌درمانی بیمارستان نیویورک اشاره کرد. وی در درمان و معالجه کودکان بستری در بخش، از نمایش عروسی بهره می‌گرفت. به عقیده او، کودک تضادها و کشمکش‌های درونی خود را بوسیله بازی با این عروسک‌ها بروز می‌دهد (جلیوند، غباری بناب، ۱۳۸۳: ۶۳-۷۸).

خلاصه بازی‌های نمایشی، مهمترین بازی‌هایی هستند که عواطف، احساسات و امتیازهای کودکان در آن رشد می‌کند و ظاهر می‌شود. دستاوردهای مهم این بازی‌ها بنا بر عقیده بسیاری از دست‌اندرکاران علوم تربیتی، بسیار متنوع و گسترده است. قسمتهایی از آنها عبارتند از: پرورش روحیه اعتماد به نفس، واقعیت‌نگری و تجربه‌اندوزی، شناخت اخلاقیات‌های فردی و

اجتماعی، شکستن اهرم‌های فشار و محدودیت‌های زندگی و تامین احساس آزادی، تصحیح اشکالات رابطه‌ای و گروهی، ایجاد رقابت‌های سالم و سازنده، پرورش قوه تخیل، خوشایندی، رفع خستگی و ایجاد تحرک و نشاط، تقویت روحیه نظم و انضباط، کمک به رفع معضلات آموزشی و تحقق مسئله مهمی بنام نمایش درمانی (الیاسی، ۱۳۸۸).

پیشینه پژوهش

محمدزاده، (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان تاثیر بازی‌های دبستانی بر رشد اجتماعی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر، دریافت که بازی‌های دبستانی رشد اجتماعی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر را افزایش می‌دهد. محمودی میمند، (۱۳۹۶) در پژوهش خود به تاثیر بازی درمانی با رویکرد اکسلاین بر رشد اجتماعی کودکان مبتلا به ناشنوایی پرداخت. که یافته‌ها نشان داد که بازی درمانی با رویکرد اکسلاین بر بهبود رشد اجتماعی و خرده مقیاسهای آن در کودکان مبتلا به ناشنوایی موثر است. جلیوند وغباری بناب، (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان نقش هنرهای نمایشی در رشد اجتماعی دانش‌آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر، دریافت با استفاده از هنرهای نمایشی در کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر تأثیر مثبتی در رشد اجتماعی و در نتیجه کیفیت زندگی آنان داشته است. لاریجانی ورزاقی، (۱۳۸۶) در پژوهش با عنوان تاثیر شیوه‌های آموزش نمایشی (و انمود سازی تخیلی و نمایش عروسکی) بر رشد اجتماعی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر پرداختند. یافته‌ها نشان داد شیوه‌های آموزش نمایشی در سطح اطمینان ۹۹٪ موجب افزایش رشد اجتماعی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر می‌شود. از طرف دیگر با توجه به میانگین‌های محاسبه شده مشخص می‌گردد که شیوه آموزش و انمود سازی تخیلی در مقایسه با شیوه آموزش نمایش عروسکی موثرتر است. جهانیان و آل ابراهیم، (۱۳۹۲) در پژوهشی به تاثیر بازی درمانی بر رشد شناختی، اجتماعی و حرکتی دانش‌آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بازی درمانی نقش عمده‌ای در افزایش رشد اجتماعی داشت. پورشکوری وشارمی (۱۳۸۹) در تحقیق با عنوان بررسی تأثیر بازی‌های کودکانه سنتی و مدرن بر رشد اجتماعی کودکان دختر اول ابتدایی (۷ و ۶ ساله) پرداختند. در این پژوهش از روش آماری تحلیل کوواریانس برای تحلیل

داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد بازی‌های کودکانه سنتی و مدرن هر دو بر رشد اجتماعی کودکان مؤثر بود و اختلاف معناداری بین دو نوع بازی مذکور وجود نداشت، ولی گروه بازی‌های سنتی امتیاز بیشتری در رشد اجتماعی کسب کردند. جعفری (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان بررسی تأثیر بازی‌های آموزشی بر رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی شهر تهران پرداخت که نتایج حاصل نشان داد که بین میانگین رشد اجتماعی دانش آموزانی که بازی‌های آموزشی انجام داده‌اند با دانش آموزانی که این بازی‌ها را انجام ندادند تفاوت معنی دار وجود دارد.

ترن و همکاران، (۲۰۱۴) معتقدند که مشارکت کودکان در فعالیت‌های گروهی و بازی با همسالان، موجب رشد اجتماعی افراد می‌شود. سالومان (۱۹۷۸) در تحقیقی به تأثیر هنرهای نمایشی در ارتقای ارتباطات اجتماعی پرداخت. در نهایت پس از ۲ ماه اجرای نمایش عروسکی هدفدار، کودک اولین پاسخ‌های مثبت را نشان داد. سالومان به این نکته اشاره دارد که یکی از مؤثرترین روش‌های درمانی برای اینگونه کودکان، بازی و بخصوص اجرای نمایش‌های عروسکی است. مالون و استونمن (۱۹۹۰) به تحقیق با عنوان تأثیر برنامه‌های هنری در افزایش مهارت‌های اجتماعی و کاهش اضطراب اجتماعی کودکان کم توان ذهنی پرداختند. وی با تحقیق بر روی ۱۲ کودک کم توان ذهنی پیش دبستانی که نتایج ضعیفی در آزمون‌های ارتباطات اجتماعی داشته‌اند، نتیجه گرفتند که با ارائه هنرهای نمایشی می‌توان توانایی شناختی و ارتباط این گون کودکان کم توان ذهنی را افزایش داد. بازی درمانی و نمایش‌های عروسکی همچنین می‌توانند موجب تقویت فرایند سازگاری با اجتماع در کودکان کم توان ذهنی و جسمی شوند. مک اووی، مک کانکس، (۱۹۸۳)؛ تحقیقی با عنوان تأثیر هنرهای نمایشی بر رشد اجتماعی کودکان کم توان مختلف رشدسال، انجام دادند. پس از گذشت ۶ هفته و آموزش هنرهای نمایشی هدف دار در زمینه موضوعات اجتماعی، اختلاف معناداری را با دانش آموزانی نشان دادند که چنین آموزشی را نگرفته بودند. بدین معنی که هنرهای نمایشی بر رشد اجتماعی آزمودنی‌ها تأثیر مثبت گذارده بود. بانیدی، (۲۰۰۶) در تحقیق خود فعالیت‌های بدنی رایج عامل بسیار مهم در رشد اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس کودکان می‌دانستند.

رشد اجتماعی

منظور از رشد اجتماعی، این است که فرد بتواند به راحتی با دیگران ارتباط برقرار نماید و رشد و نمو لازم را برای برقراری روابط اجتماعی به دست بیاورد. هیچ کودکی در موقع تولد، یک موجود اجتماعی نیست، بلکه رفتار و سازگاری اجتماعی خود را در تماس با مردم می‌آموزد (پور علیرضا توتکله، ۱۳۸۹: ۴۸). رشد اجتماعی به جنبه‌ای اشاره دارد که طی آن فرد قادر است خود را به عنوان عضوی از گروه که دارای تأثیر و تأثر متقابل با اعضای آن است مطرح می‌سازد و در این تعامل متقابل قادر به رفع نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی خود باشد (بهمن زادگان، ۱۳۸۹).

دیدگاه‌های نظری

نظریه روانکاوی یا نظریه فروید: (۱۸۵۶-۱۹۳۹) رشد اجتماعی توصیف جامعی است از رشد و تکامل روان شناختی که روی رخدادهای درونی یا درون روانی تأکید می‌کند. بنا بر این می‌توان گفت که، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، به همه ابعاد وجود آدمی یا رفتارهای او پرداخته است و به همین سبب، تقریباً همه دیدگاه‌های روان شناختی به نحوی از نظریه روان کاوی متأثر شده‌اند (شعاری نژاد، ۱۳۸۱: ۵۳).

کولی در نظریه آینه سان خود معتقد است که رشد اجتماعی از همان ابتدای زندگی آغاز می‌شود، تصویر خود در نزد کودک از خانواده سرچشمه می‌گیرد و در طول زندگی ضمن تماس با همبازی‌ها و گروه همسالان رشد می‌کند. کولی اساساً بر رشد اجتماعی توجه داشت. یعنی کنش متقابل اجتماعی هویت افراد و مفهوم خود را شکل می‌دهد. وی جامعه پذیری را تلاش مشارکتی می‌داند که در آن فرد در رابطه با دیگران مفهوم خود را گسترش می‌دهد و جامعه به عنوان دیگری عام دوباره در ذهن خود فرد خلق می‌شود (زارعی وحسنی، ۱۳۸۴: ۱-۳۱).

به نظر پارسنز فرآیند اجتماعی شدن اساساً از طریق مکانیسم‌های تعمیم، تقلید و همانند سازی که بسیار مهم هستند صورت می‌گیرد. جریان‌ات انگیزشی که در مکانیسم یادگیری وارد می‌شوند، به صورت جزئی از مکانیسم‌های اجتماعی کردن از طریق مشارکت کودک در یک سیستم مکمل انتظارات نقشها، سازمان داده می‌شود. او معتقد است که اجتماعی شدن کودک

قبل از هر چیز توسط خانواده صورت گرفته و در واقع اجتماعی شدن افراد توسط خانواده در تداوم بخش نظام اجتماعی دانسته است (زارعی وحسنی، ۱۳۸۴: ۱-۳۱).

گیدنز معتقد است که شکل و نوع خانواده تاثیر متفاوتی برای اجتماعی شدن فرزندان دارد. علاوه بر این منطقه، طبقه اجتماعی، رفتار ویژه پدر، مادر یا دیگران را همسایگی یا اجتماع محلی شان یاد می گیرند. گیدنز در ادامه خاطر نشان می کند که الگوهای پرورش کودک و انضباط در خانه بر رشد اجتماعی فرد موثر هستند (زارعی وحسنی، ۱۳۸۴: ۱-۳۱).

عوامل متعدد در رشد اجتماعی

رشد اجتماعی تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارد که نوع و چگونگی وضعیت آنها ممکن است موجب تسریع رشد اجتماعی یا برعکس موجب کندی آن گردد. این عوامل شامل:

- ۱- خانواده: خصوصیات خانواده، تعداد اعضاء و نوع روابط آنها
- ۲- مدرسه: ساختار مدرسه، برنامه های آموزشی، و رفتار معلمان
- ۳- گروه دوستان: میزان حضور فرد در بین همسالان و چگونگی فعالیت ها و روابط آنها.
- ۴- تلویزیون: میزان و نوع برنامه های تلویزیونی
- ۵- جنسیت و نژاد: در برخی جوامع دختر یا پسر بودن و سیاه و سفید بودن
- ۶- وضعیت اجتماعی - اقتصادی: طبقه و پایگاه اجتماعی - اقتصادی
- ۷- فعالیتهای حرکتی: بازی، ورزش، مسابقه و تربیت بدنی با برنامه های منظم و سازمان یافته (آقاپور، ۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۵۳).

ابعاد رشد اجتماعی

رشد اجتماعی کودک انسان مثل سایر جنبه های رشدی او به تدریج گسترش می یابد و تقریباً همه فعالیت های او تحت تاثیر اطرافیان قرار می گیرند. همانقدر که کودک در جنبه های حرکتی و استعداد های هوشی به تکامل می رسد، کامل اجتماعی وی نیز صورت می پذیرد و استقلال او بیشتر می شود، می تواند راهنمای خود باشد و ایفای نقش های اجتماعی مختلف را برعهده گیرد. به عنوان یک عضو خانواده مدرسه، بازی و سایر فعالیت های گروهی شرکت

کند. رشد و تکامل اجتماعی یک تعداد تغییرات در رفتار کودک را شامل می‌شود که عبارتند از اینکه:

- ۱- او یاد می‌گیرد که در گروه‌هایی که عمل و تأثیر متقابل پیچیده‌ای دارد شرکت کند.
- ۲- تماسها و روابط اجتماعی خود را از مادر به سایر افراد خانواده، دوستان و گروه‌ها توسعه می‌دهد.
- ۳- به محرک‌های اجتماعی بیشتری پاسخ نشان می‌دهد.
- ۴- شناخت و تشخیص گسترده‌ای درباره نقش خود در روابط شخصی، خانواده و گروه‌های بازی و سایر گروه‌ها بدست می‌آورد.
- ۵- می‌تواند مسولیت‌های زیادی به عهده بگیرد و دیگران را مراعات کند و دوستشان بدارد.
- ۶- البته ماهیت و حدود مشارکت اجتماعی کودک بیشتر تحت تأثیر تجربه پیشین او با پاداش‌ها و کیفرها در مقابل واکنش‌های اجتماعی قرار می‌گیرد (میرزایی، ۱۳۹۰).

مراحل رشد اجتماعی

رشد اجتماعی در پسران از سه مرحله گذر می‌کند؛ تقلید، افتخار به شخصیت، تعادل اجتماعی، و رشد اجتماعی در دختران از چهار مرحله گذر می‌کند: اطاعت، اضطراب، تقلید، تعادل اجتماعی (امیرتاش، ۱۳۸۵: ۵۳-۶۱).

تأثیر رشد اجتماعی در کودک

بازی، گروه‌های همسالان و روابط خانوادگی نقش مهمی در اجتماعی شدن کودک در این دوره برعهده دارند. کودک در اثر بازی با همسالان حالات خودخواهی را از دست می‌دهد. با سازگاری با گروه دوستی، مشارکت و تشریک مساعی را فرا می‌گیرد و از طریق تقلید حرکات و گفتار دیگران خود را با موازین اجتماعی منطبق ساخته و می‌کوشد همانند دیگر مردم باشد. این سن را سنین گروه‌سازی نام نهاده‌اند. در این دوره میل به گروه همسالان به شدت افزایش می‌یابد. کودک از بازی با خواهر و برادر در خانه قانع نمی‌شود. در این دوره یک یا

دو دوست نیز برای کودک کافی نیست و آنها دوست دارند به صورت دسته‌ای و گروهی با همسالان بازی کنند (پلگرینو، مارجوی، ۱۳۸۶: ۶۲).

تا تیربازی ورشد اجتماعی در اواسط دوران کودکی

بازی از فعالیت‌های لذت بخش برای کودک است. کودک آن را برای رسیدن به یک نتیجه‌ی نهایی انجام نمی‌دهد. با کمال رضایت به این فعالیت می‌پردازد. هدف از آن را در رسیدن خود به لذت می‌داند و به دنبال هیچ انگیزه‌ی بهره‌جویانه نیست. به نظر کودک درس خواندن و فعالیت برای اعضای خانه، کار است و دیگر فعالیت‌ها را بازی محسوب می‌کند (حیدری، ۱۳۸۷: ۴۵).

بازی عاملی است برای ایجاد مراد و دوستی میان کودکان، زیرا وجود هدفی واحد در بازی و لزوم مشارکت و هم‌یاری برای رسیدن به هدف، باعث اتحاد هم‌بازی‌ها می‌گردد. کودکان با انتخاب نوع بازی و سازماندهی آن و منظم ساختن خود به رعایت اصول و مقررات، نوعی از زندگی اجتماعی را که آموزش آن‌ها از هیچ طریق دیگری امکان‌پذیر نیست، می‌آموزند (مهجور، ۱۳۷۸).

گذشته از نقش‌های که بازی در ابعاد مختلف رشد کودک دارد از طریق فعالیت‌های که کودکان از طریق بازی انجام می‌دهند می‌توان ردپای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی را نیز مشاهده کرد چون که کودک از طریق بازی با بسیاری از مفاهیم از جمله خوب و بد، حق و ناحق آشنا شده یا برخورد پیدا می‌کند. هم‌چنین در حین بازی هر کدام از والدین و مربیان نیز باید نکاتی را رعایت کنند تا زمینه ادامه و بسط بازی کودکان را فراهم آورند و در غنی‌سازی محیط و در تهیه امکانات نقش اساسی و مؤثر را ایفا نمایند و راه را برای این گذر مهیا سازند (علیلو، ۱۳۹۲).

نقش بازی در رشد اجتماعی کودک

از بعد رشد اجتماعی، تعامل در بازی با دیگر کودکان، کودک را قادر می‌سازد تا تصورش را از خود و دیگران به صورت عام رشد دهد، کودکی که بازی نقش می‌کند نقش

خود را به طور مرتب تغییر می‌دهد و مجبور می‌شود چشم انداز خود را نیز تغییر دهد. در بازی‌های گروهی که دارای مقررات و قواعد است، بازیکن باید نقش دیگر بازیکنان را بداند و همچنین باید توانایی «بر عهده گرفتن نقش دیگران» را در خود رشد و توسعه دهد. تا از طریق پیش بینی آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، بتواند رفتار خود را با آن سازگار نماید (علیلو، ۱۳۹۲).

کودک به شروع ارزیابی توانایی خود در مقابل دیگران و هویت یا تصور خود را بهبود می‌بخشد. بچه‌هایی که بازی می‌کنند پیش از خودیاد می‌گیرند، آنها از طریق بازی کردن نقش‌های مختلف بزرگسالان، مقررات اجتماعی و معیارهای را که رفتار بازیگر را تنظیم می‌کند، می‌آموزند، بازیگر باید یاد بگیرد که به قواعد بازی، حتی زمانی که انگیزه‌های آنی او را به سوی یک رفتار کاملاً متفاوت دیگر سوق می‌دهد، تسلیم شود (علیلو، ۱۳۹۲).

کودک در بازی با سایر کودکان، چگونگی ایجاد ارتباط با آنان را یاد می‌گیرد، دیگران را بهتر می‌شناسد و از خود نیز شناخت بهتری پیدا می‌کند. بازی، عواطف و احساسات کودک را بیدار می‌کند، در تقویت جسم و روح او تأثیر زیادی داشته و او را به سوی زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت‌ها راهنمایی می‌کند. کودک با بعضی از بازی‌ها، مانند لباس پوشاندن به عروسک، غذا پختن، رنگ آمیزی عکس‌ها، جواب دادن به تلفن و... به تمرین نقش خود و مسئولیت‌ها در بزرگ سالی مشغول می‌شود، موجب ارتباط کودک با محیط بیرون می‌شود و دنیای اجتماعی او را گسترش می‌دهد (محمدی سیف، ۱۳۹۲: ۳۰).

همکاری و مشارکت کودک توسعه می‌یابد؛ با رعایت اصول و مقررات آشنا می‌شود؛ همانندسازی با بزرگ سالان را می‌آموزد؛ با مفهوم سلسله مراتب آشنا شده و آن را رعایت می‌کند؛ رقابت را می‌آموزد و شکست را به طور واقعی تجربه می‌کند؛ قدرت ابراز وجود پیدا می‌کند و از ترس و خجالت بیهوده، رها می‌شود. کودک با بازی، حمایت از افراد ضعیف را می‌آموزد؛ به خصوص بازی جسمانی که سبب چالاکی و افزایش مهارت حرکتی و رشد تقویت سیستم عصبی کودک می‌شود (محمدی سیف، ۱۳۹۲: ۳۰).

مبانی نظری بازی و بازی نمایشی

بازی راه شناسایی جهانی است که کودک در آن زندگی می کند و راه شناخت امکاناتی است که او در کنار خود دارد. از طریق بازی است که رشد شخصیت و سلامت و نشاط کودک تحقق می یابد و از همین راه است که او منظور و مقصود خود را عملاً بیان می کند و با محیط و جامعه اش پیوند می خورد (الیاسی، ۱۳۸۸).

گات فروید می گوید: ((بازی در کودکان زمانی آغاز می شود که آنها دارند یاد می گیرند که چگونه از کلمات استفاده کنند، و چگونه افکارشان را به هم مرتبط سازند. این بازی احتمالاً نتیجه انگیزه های است که کودک را تشویق می کند تا ظرفیتهای خود را به کار گرفته و تمرین کند)) (کیمیایی پور، ۱۳۸۹).

بازی های نمایشی، ترکیبی از بازی و نمایش است. ترکیبی که هم بازی است و هم عناصر نمایشی؛ از قبیل: شخصیت، کلام و تا حدودی هم عوامل اجرایی در آن یافت می شود. بازی های نمایشی وجه تمایز با بازی های دوران انتقال و نمایش بازی دارند (کیمیایی پور، ۱۳۸۹).

مقصود از بازی نمایشی آن دسته از بازی هایی است که عناصری از تئاتر در آن مشاهده شود. بنابراین، هر قدر این عناصر در این گونه بازی ها یافت شود (هر چند به صورت ابتدایی) آن بازی بیشتر نمایشی است و هر قدر عناصر نمایشی در آنها کمتر مشاهده شود، آن بازی کمتر نمایشی است. بازی های نمایشی کودکان نخست (از سه سالگی) به صورت انفرادی است، سپس، به تدریج شکل گروهی پیدا می کند. که در این بازی ها عناصر تئاتر کم و بیش حضور دارد (فیض شیخ الاسلام، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۲).

دیدگاه درباره بازی

اولین نظریه پردازان روان شناس در حیطه بازی در طی دهه های ۳۰ تا ۶۰ قرن بیستم روان شناسی روسی لویگوتسکی (۱۸۹۶-۱۹۳۴) و روان شناس سوئیسی ژان پیاژه (۱۸۹۶-۱۹۸۰) هستند. در نوشته هایشان، ماهیت بازی، مکانیسم های روانی فوری باری بازی کردن و ارتباط بین بازی، تفکر و زبان را مورد بحث قرار داده اند (معین، ۱۳۹۱).

ویگوتسکی جنبه‌های عاطفی شناختی و رشد را در رویکردش به بازی باهم ترکیب کرد. وی مانند روان تحلیل‌گران در پس بازی محرک عاطفی را می‌دید از آنجایی که در آن تحقیق فریبنده آرزوهای غیر ممکن به تصور در آمد. با این حال او این انگیزش عاطفی را در ارتباط با سائق‌های بسیار خاص یا جنسی مورد توجه قرار نمی‌داد، بلکه آن را در ارتباط با اعتماد به نفس و تسلط کودک، از آنجایی که نیازی برای فعالیت بر اساس آن در یک حس کلی تر وجود دارد، می‌دید (معین، ۱۳۹۱).

دیدگاه پیازه از بازی در کتاب او با عنوان (بازی، رویاها و تقلید در دوران کودکی) (۱۹۴۶ و ۱۹۵۱) نشان داده شد. در اینجا بود که او اظهار داشت که بازی "ویژگی تقدم درونی سازی^۴ را بر برونی سازی آشکار می‌کند." کودکان در بازی رفتارهای برقرار شده یا طرحواره‌های قبلی شان را فعال می‌کنند و واقعیت را مطابق با آنها هماهنگ می‌کنند (معین، ۱۳۹۱). به نظر می‌د بازی جزء مهمی از زندگی کودکی، رشد اجتماعی و جریان اجتماعی شدن هر کودک است، که یک جریان پایان ناپذیر است و توسط هر کس و در هر سنی، تجربه می‌شود. در این جریان احساس خود رشد می‌کند. در بازی، کودکان، به تعامل با دیگر همبازی‌ها، اشیاء و جهان اطرافشان می‌پردازند. در بازی، کودکان، در موقعیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند، آنها نگرش وقوانین دیگران را یاد می‌گیرند، و فرایند اجتماعی شدن آن در میان دیگر کودکان افزایش می‌یابد (نسائی مقدم، ۱۳۹۰).

آدلر معتقد است هر کودکی دارای یک شیوه زندگی است که شخصیت او جلوه‌گر آن است. ما می‌توانیم در بازی او رادشرایطی قرار دهیم که خود را بازگو کند. آدلر می‌گوید: بازی بیشتر از هر چیزی، یک تمرین اشتراکی است. این تمرین‌ها کودک را قادر می‌سازد احساسات اجتماعی خود را برآورده و ارضاء نماید. کودکانی که از بازی‌ها و سرگرمیها تفره می‌روند، بخاطر عدم تطابق صحیح با محیط، همیشه آمادگی سوءظن و بدگمانی رادارند. این کودکان خود را به راحتی از همه بازی‌ها کنار می‌کشند و چنانچه آنها رادر موقعیت بازی با دیگر کودکان قرار دهند، لذت و خوشی آنها را نیز ضایع می‌سازند (کیمیایی پور، ۱۳۸۹).

تأثیر بازی‌های نمایشی در امر آموزش

فردریک فروبل (۱۸۵۲-۱۷۸۲)؛ مربی و عالم تعلیم و تربیت آلمانی و موسس اولین کودکستان، عقیده دارد «کودکان بیش از هر چیز دیگر از بازی‌های خود مطلب می‌آموزند». بازی‌های کودکانه، در واقع، ابزاری است برای پرورش کودک؛ و دیگر زمان آن گذشته است که خیال کنیم این بازی‌ها صرفاً وسیله‌ای برای صرف انرژی است. در واقع می‌دانیم، که با انجام هر بازی، نکات جدیدی به آموخته‌های ذهنی کودک و تجربیات او افزوده می‌شود. علاوه بر آن، بازی عاملی برای تجدید قواست، زیرا کودک از طریق بازی، انرژی تازه‌ای کسب و خستگی را از خود دور می‌کند. با توجه به آثار آموزشی و پرورشی بازی‌های کودکانه، لازم است به مشکلات فراگیری و دروسی که آموزش و یادگیری آنها برای کودکان دشوار و خسته کننده است، اشاره شود و به جست و جوی روش‌هایی پرداخته شود که از طریق آنها آموزش کودکان تسهیل می‌شود، لذت بخش ترند و تأثیری ماندگارتری خواهند داشت. به عنوان یک اصل وقاعده، باید پذیرفت مسأله‌ای که در کلاس درس و در امر آموزش مهم است یادگیری است نه تدریس (فیض شیخ الاسلام، ۱۳۸۵: ۳۲).

تأثیر بازی‌های نمایشی و بهداشت روانی

کودکان و نوجوانان از طریق انواع بازی‌ها، ضمن تخلیه روحی به کسب تجربیات می‌پردازند و با همانند سازی، بهتر می‌توانند به اشکالات خود پی ببرند و نشاط و شادابی را در آنها ایجاد کنند و آنها را از حالتی چون افسردگی، گوشه نشینی، اضطراب و موارد این چنینی دور، و آنها را با یک زندگی سالم و اجتماعی آشنا می‌کند. بازی‌های نمایشی از نظر بهداشت روانی تا آن اندازه موثر واقع شده است که در برخی کشورها، مراکزی جهت درمان از طریق بازی تأسیس شده است تا بتوانند اختلالات روانی و ناسازگاری‌های رفتاری کودکان را از طریق بازی و رسیدن به رها سازی عاطفی درمان کنند. این بازی به صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد که بهترین نوع آن، که بتوانیم پاسخ بگیریم، بازی غیر مستقیم است (کیمیای پور، ۱۳۸۹).

هدف اصلی

بررسی تاثیر بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی و دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی

فرضیه‌های فرعی

۱- بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش آموزان دختر تاثیر معناداری دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف از نوع کار بردی بوده که با استفاده از روش نیمه تجربی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل انجام شده است. در این پژوهش برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های پرسشنامه رشد اجتماعی وایلند و آزمون رشد اجتماعی وایلند استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش آموزان دختر پایه پنجم دبستان شهر اصفهان که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل بوده اند و تعداد آنها ۱۲۸۳۶ نفر است. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای ابتدا از بین ۵ ناحیه، یک ناحیه به صورت تصادفی انتخاب، و از بین ۹۰ مدرسه ابتدایی دخترانه یک مدرسه و سپس به طور تصادفی ۱۰۰ نفر انتخاب شدند و پرسشنامه رشد اجتماعی وایلند برای والدین بین آنها توزیع شد و سپس ۳۰ نفر از آنها که نمره کمتری در آزمون وایلند دریافت کرده بودند به عنوان نمونه آماری انتخاب و به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل جایگزین شدند. همچنین در این پژوهش داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تحلیل قرار گرفتند. در سطح آمار توصیفی از آماره‌هایی نظیر (میانگین انحراف استاندارد، فراوانی) و در سطح آمار استنباطی از آزمون تحلیل کوواریانس به منظور آزمودن فرضیه‌ها استفاده شد.

تست رشد اجتماعی وایلند در سال ۱۹۵۳ توسط دل (Doll) تهیه و تدوین گردید و در سال ۱۳۵۷ توسط محمد تقی براهنی. ولی اخوت و لقمان دانشمند، ترجمه و رواسازی شده است. این مقیاس برای گروه سنی «۲۵-۰» سال طراحی شده است. و کاربرد آن برای افرادی که دچار ناتوانی هوشی هستند بیشتر است. این مقیاس ۱۱۷ سؤال دارد و به گروه‌های یک ساله

تقسیم شده است. در هر ماده، اطلاعات مورد نیاز نه از طریق موقعیت‌های آزمون، بلکه از راه مصاحبه با مطلعین (پدر، مادر و یا اعضای خانواده یا مربی) یا خود آزمودنی، به دست می‌آید. اساس این مقیاس بر این امر استوار است که فرد در زندگی روزمره، توانایی چه کارهایی را دارد. این مقیاس به هشت طبقه خودیاری عمومی، خودیاری در غذا خوردن، خودیاری در لباس پوشیدن، خود فرماني، اشتغال، ارتباط زبانی، جابجایی، اجتماعی شدن تقسیم می‌شود. با توجه به نمره‌های شخص در طبقات هشت گانه این مقیاس، می‌توان «سن اجتماعی» (SA) و «بهره اجتماعی» (SQ) را محاسبه کرد (کرمی، ۱۳۵۶).

اعتبار و روایی مقیاس واینلند در مورد ۶۲۰ نفر در هر یک از گروه‌های سنی شامل ده مذکر و ده مؤنث از تولد تا ۳۰ سالگی، هنجاریابی و ضریب اعتبار یا بازآزمایی ۱۲۳ نفر، ۰/۹۲ گزارش شده است و فاصله بازآزمایی از یک روز تا ۹ ماه بوده است (لاریجانی، ۱۳۸۰) در پژوهش زادشیر و همکاران (۱۳۸۸) نیز اعتبار درونی آزمون رشد اجتماعی واینلند به روش همسانی درونی از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۸ به دست آمده است (جعفری، ۱۳۹۳: ۳۳). نمره ۱ برای حالاتی تعلق می‌گیرد که:

۱- آزمودنی با موفقیت کامل، آن کار انجام دهد. ۲- آزمودنی می‌تواند کاری انجام دهد، ولی والدین تا کنون به او اجازه انجام آن رفتار را نداده‌اند. ۳- فردی به علت خاصی آن رفتار انجام داده بطوریکه اگر آن معذورت برطرف شود، شخص می‌تواند آن رفتار را انجام دهد. نمره نیم-نمره زمانی تعلق می‌گیرد، آزمودنی گاهی آن را انجام می‌دهد و گاهی انجام نمی‌دهد، به عبارت دیگر هنوز آن مهارت خوب یاد نگرفته است. نمره صفر-برای حالاتی تعلق می‌گیرد: ۱- شخص نمی‌تواند آن کار انجام دهد.

۲- شخص به خاطر معلولیتها یا معذورت‌های غیرقابل برگشت، نمی‌تواند آن رفتار پس از آن انجام دهد.

۳- زمانی که فرد آن کار را انجام نمی‌دهد، اگر تحت فشار شدید قرار بگیرد، آن کار را خیلی بد انجام خواهد داد. و یا آزمودنی اصلاً به مرحله‌ای نرسیده است، که بتواند کار را انجام دهد.

طبق نمره گذاری فوق، جمع نمرات بر هر کدام از خرده مقیاسهای خودیاری عمومی، خودیاری در غذا خوردن، خودیاری در لباس پوشیدن، خود فرمانی، اشتغال، ارتباط زبانی، جابجایی، اجتماعی شدن، محاسبه کنید. سپس نرم (هنجار) که در پیوست تست رشد اجتماعی واینلند موجود است، جهت تعیین سن اجتماعی SA به جدول زیر (جدول تبدیل نمره کل مقیاس به سن اجتماعی) مراجعه می‌کنیم و در نهایت سن اجتماعی (SA) را بر سن تقویمی (AM) تقسیم می‌کنیم و در ۱۰۰ ضرب می‌کنیم. که در نهایت نمره رشد اجتماعی به دست می‌آید (کرمی، ۱۳۵۶).

تعاریف نظری

رشد اجتماعی: منظور از رشد اجتماعی، توانایی فرد در برقرار نمودن روابط اجتماعی، یا رسیدن به حد لازم رشد برای برقرار نمودن روابط اجتماعی با جامعه است. به عبارت دیگر فرد بتواند با سایرین هماهنگ و سازگار باشد و با آنها همکاری، ارتباط و تعاون داشته باشد و با معیارها، سنتها، و خلاقیات گروه هم‌نواپی کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۸، ص ۵۱۹ به نقل از ایزد فرد، ۱۳۸۰). بازی نمایشی: بازی نمایشی، ترکیبی از بازی و نمایش است. ترکیبی که هم بازی است و هم عناصر نمایش؛ از قبیل شخصیت، کلام و تاحدودی هم عوامل اجرایی در آن یافت می‌شود. که عنصر اصلی و مرکزی آن، بازی است و در آن، بازی بیش از نمایش تاثیر گذار تر و مهم تر است (کیمیایی پور، ۱۳۸۹).

تعریف عملیاتی

رشد اجتماعی: منظور نمره‌ای است که آزمودنی از پرسشنامه ۱۱۷ سوالی رشد اجتماعی واینلند، که از طریق مشاهده آزمونگر با شرکت در موقعیت آزمایشی کسب می‌گردد، به دست می‌آورد. بازی نمایشی: منظور، بازی آموزشی است که با اجرای بازی‌های نمایشی بر اساس کتاب روان‌درمانی با بازی‌های نمایشی که شامل (عمو زنجیر باف، دویدم دویدم، استاد و شاگرد، گاو در حلقه، یکی بود یکی نبود، ریسمان‌گریز، جست‌کانگورو و گرگم گله

می‌برم)، (کیمیایی پور) در ۸ جلسه بر روی دانش آموزان دختر پنجم دبستانی شهر اصفهان انجام می‌شود.

یافته‌های پژوهش

- بررسی توصیفی نمرات رشد اجتماعی دو گروه آزمایش و کنترل در پیش آزمون و پس آزمون

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد نمرات رشد اجتماعی دو گروه کنترل و آزمایش در پیش آزمون و پس آزمون

گروه	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
آزمایش	پیش آزمون	۱۵	۳۳/۱۰	۶/۲۱
	پس آزمون	۱۵	۳۵/۳۳	۵/۵۵
کنترل	پیش آزمون	۱۵	۳۰/۳۰	۶/۰۲
	پس آزمون	۱۵	۳۰	۵/۲۹

فرضیه: بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش آموزان تاثیر معنادار دارد.

جهت بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده گردیده است و لذا باید در ابتدا به پیش فرض‌های استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس پرداخت
بررسی پیش فرض‌های تحلیل کوواریانس:

۱- پیش فرض طبیعی بودن توزیع نمرات رشد اجتماعی

جهت انجام این کار از آزمون کالموگروف و اسمیرنوف استفاده شده که نتیجه آن در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول ۲- بررسی طبیعی بودن توزیع نمرات رشد اجتماعی

منبع	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کالموگروف و اسمیرانف	
			استاندارد	آماره	سطح معناداری
	آماره	آماره	آماره	آماره	آماره
پیش آزمون	۱۵	۳۳/۱	۶/۲۱	۰/۵۴۸	۰/۹۲۵
پس آزمون	۱۵	۵/۳۳	۵/۵۵	۱/۰۹	۰/۱۸۱

نتایج آزمون کولموگروف و اسمیرنوف نشان می‌دهد مقدار آماره در پیش آزمون برابر با ۰/۵۴۸ و در پس آزمون برابر با ۱/۰۹ شده که در سطح ۰/۹۲۵ و ۰/۱۸۱ معنادار شده ($p > ۰/۵۰$)، بنابراین نتیجه می‌گیریم که توزیع نمرات گروهها در متغیر رشد اجتماعی در پیش آزمون و پس از آزمون نرمال است.

۲- پیش فرض دوم، همگونی واریانس نمرات گروهها برای این کار از آزمون لون استفاده شده است که نتیجه آن در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول ۳- بررسی برابری واریانس نمرات گروهها در رشد اجتماعی

منبع	آزمون لون			
	آماره	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
پیش آزمون	۳/۰۰۸	۱	۲۸	۰/۰۹

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقدار آماره F در پیش آزمون برابر با ۳/۰۰۸ با درجات آزادی ۱ و ۲۸ در سطح ۰/۰۹ معنادار گردیده ($p > ۰/۰۵$) بنابراین این نتیجه می‌گیریم که واریانس گروهها از تجانس برخوردار است. حالا با توجه به اینکه پیش فرض‌های استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس وجود دارد، از این آزمون استفاده می‌کنیم که نتیجه آن در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول ۴- نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه میانگین نمرات رشد اجتماعی گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون بعد از کنترل پیش آزمون

منابع	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رشد اجتماعی	۷۷۲/۹۷۲	۱	۷۷۲/۹۷۲	۴۰۳/۲۰۳	۰/۰۰۱
گروه	۴۹/۱۶۱	۱	۴۹/۱۶۱	۲۵/۶۴۳	۰/۰۰۱
واریانس خطا	۵۱/۷۶۱	۲۷	۱/۹۱۷		
واریانس کل	۳۳۳۲/۷۵	۳۰			
واریانس تعدیل شده	۱۰۱۴/۷۴۲	۲۹	-----		

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود میزان F برابر با $۲۵/۶۴۳$ گردیده که این مقدار با درجات آزادی (۱ و ۲۷) در سطح $۰/۰۰۱$ معنادار گردیده و از آنجا که این مقدار از $۰/۰۵$ کمتر است. بنابراین نتیجه این است که میزان رشد اجتماعی گروه آزمایش و گواه با یکدیگر تفاوت معنادار داشته است؛ به عبارتی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش آموزان تاثیر معنادار دارد و با توجه به جدول ۱-۴ متوجه می‌شوید که میانگین رشد اجتماعی دانش آموزان گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل است.

بحث و نتیجه گیری

در فرضیه پژوهش بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش آموزان تاثیر معناداری دارد. معلوم شد، برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده است؛ همان گونه که در جدول (۴-۵) مشاهده می‌شود میزان رشد اجتماعی گروه آزمایش و گواه با یکدیگر تفاوت معنادار داشته است به عبارتی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش آموزان تاثیر معنادار دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تایید می‌شود. بنابراین یافته همسو با پژوهش‌های پیشین (محمد زاده (۱۳۹۶)؛ جعفری (۱۳۹۳)؛ جلیوند و غباری بناب (۱۳۸۳)؛ پورشکوری شارمی (۱۳۸۹)؛ لاریجانی و رزاقی (۱۳۸۶)؛ و مطالعات تروپ و همکارانش (۱۹۹۵)؛ مک اووی و مک کانکس (۱۹۸۳)، مالون و استونمن (۱۹۹۰) و داگرتری (۲۰۰۶) است.

کودک در دوره دوم کودکی یعنی دوران آغازین مدرسه به دلیل ارتباط با کودکان دیگر حجم تماس‌های اجتماعی اش بیشتر است و همین عامل موجب بالا رفتن رشد اجتماعی وی می‌گردد. آنها از طریق بازی با دیگر کودکان شیوه‌ی ایجاد روابط اجتماعی با غریبه‌ها و حل مسائل و مشکل‌های ناشی از آن را فرا می‌گیرند. بازی‌های گروهی به کودک می‌آموزد که باید در برابر کمک دیگران پاسخ گو باشد و محبت آن‌ها را به هر وسیله‌ی ممکن قدرشناسی کند. در این دوره روابط با همسالان نقش مهمی در رشد اجتماعی کودکان دارد، تاجایی که در کاهش بعضی از مشکل‌های رفتاری کودکان تاثیر گذار است (حیدری، ۱۳۸۷).

به نظر می‌آید بازی جزو مهمی از زندگی کودکی، رشد اجتماعی و جریان اجتماعی شدن هر کودک است، که یک جریان پایان ناپذیر است و توسط هر کس و در هر سنی، تجربه می‌شود. در این جریان احساس خود رشد می‌کند. در بازی، کودکان، به تعامل با دیگر همبازی‌ها، اشیاء

و جهان اطرافشان می‌پردازند. در بازی، کودکان، در موقعیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند، آنها نگرش و قوانین دیگران را یاد می‌گیرند، و فرایند اجتماعی شدن آن در میان دیگر کودکان افزایش می‌یابد (معین، ۱۳۹۱).

در مورد اثر بخشی بازی‌های نمایشی در رشد اجتماعی کودکان نظرات متفاوتی وجود دارد. عده‌ای از محققان چون هی وود (۱۹۹۳)؛ گاریتا و همکاران (۱۹۹۸) معتقدند که مشارکت کودکان در فعالیت‌های گروهی و بازی با همسالان موجب رشد اجتماعی آن‌ها می‌شود (چوی (۲۰۰۰) نیز در پژوهشی با عنوان آثار شناختی آموزش مهارت‌های اجتماعی در کودکان پیش دبستانی، دریافت که کودکان از طریق بازی در روابط با همسالان نشان بهبود قابل توجهی کسب کرده‌اند. همچنین مهدوی نیا و سماواتی (۱۳۸۰) بیان می‌کنند که آموزش کودکان در سال‌های اولیه زندگی از اهمیت خاصی برخوردار است. آموزش از طریق بازی یکی از روش‌های مهم برای یادگیری به شمار می‌آید و به کودکان یاد می‌دهد چگونه خود را برای روبه‌رو شدن و غلبه بر مشکلات آینده و حل آنها کمک کنند. کودکان از طریق بازی با جهان اطراف آشنایی پیدا می‌کنند و بین واقعیت و تخیل تفاوت قابل می‌شوند و توانایی‌های خود را به خوبی درک می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۳).

در تبیین این یافته می‌توان گفت دانش آموزانی که بازی‌های نمایشی بر روی آنها اجرا شده است رشد اجتماعی بهتری نسبت به دیگر دانش آموزان کسب کرده‌اند. دانشمندان معاصر نظیر مونته‌سوری، فروبل و دکرولی با صراحت بیشتری به اهمیت بازی اشاره کرده‌اند و حتی برخی استفاده از بازی را به عنوان عمده‌ترین وسیله آموزش کودکان برای یادگیری موضوعات مختلف مورد تأکید قرار داده‌اند. (مهجور، ۱۳۸۶) نتایج تحقیقات انجام شده در داخل کشوریانگر تأثیر هنرهای نمایشی در زمینه‌های متعدد آموزشی و تربیتی و عامل مؤثر در بهبود عملکرد اجتماعی در مورد کودکان نشان دهد. (جلیوند، ۱۳۸۳)

همانگونه که یافته‌های پژوهش نشان داد بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی تأثیر معناداری دارد. بعلاوه متغیر بازی نمایشی نقش موثری در رشد اجتماعی دانش آموزان دارد. از این رو با انجام بازی‌ها نمایشی بر روی دانش آموزان و ترغیب معلمان در اجرای این نوع از بازی‌ها و گنجاندن آن در برنامه‌های آموزشی خود به افزایش رشد اجتماعی دانش آموزان کمک کرد.

در جامعه با وجود داشتن نیروهای مستعد و آگاه، کمتر به مشکلات رفتاری و کاربرد راهکارهای موثر در درمان مشکلات دانش آموزان توجه می‌شود. شاید یکی از مهمترین علل آن کم توجهی برخی از مربیان آموزشی نسبت به امرپیشگیری از مشکلات و فرصت‌های محدود آموزشی و عدم کاربردهای صحیح شیوه‌های آموزشی در جهت حل مشکلات دانش آموزان باشد. با توجه به یافته‌های به دست آمده پیشنهاد می‌شود که مربیان آموزشی و والدین از انواع بازی‌ها به عنوان یک راهکار عملی و موثر در جهت حل مشکلات و افزایش رشد اجتماعی دانش آموزان که خود در بر گیرنده رشد، نועدوستی، درستکاری، دفاع از خود، ارتباط و تعلق، همکاری، خویشتنداری و انگیزه پیشرفت است بهره‌مند شود.

بر اساس پژوهش حاضر که با هدف بررسی تأثیر بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش آموزان دختر ابتدایی صورت گرفت. بررسی نمرات بدست آمده از آزمون رشد اجتماعی وایلند در دو گروه آزمایش و کنترل و مقایسه آنها با هم نشان داد که بازی‌های آموزشی تأثیرمعناداری بر رشد اجتماعی دانش آموزان دارد. آرنولد گزل "در مورد بازی درمانی مطالعات زیادی نموده است. او با مشاهده و مقایسه ای که در مورد بازی کودکان در کلینیک یل انجام داده، مواردی از اختلافات رفتاری و احساسی کودکان و تبعیت آنها از تعلیمات والدین را مشخص نموده است. بچه‌هایی که قادر به بازی نیستند و نمی‌توانند مانند سایر کودکان همسال خود، بازی کنند از آن جمله‌اند که عبارت بازی درمانی در مورد آنان بکار می‌رود.

با توجه به نتایج پژوهش‌های فوق، که با نتایج پژوهش حاضر همسو است و نتایج پژوهش را مورد تأیید قرار می‌دهد، می‌توان گفت بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی کودکان مؤثر است و موجب رشد اجتماعی آنها می‌شود. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد با توجه به ارتباط متقابل و تعامل سازنده مدرسه و اجتماع و نقش مهم آن در پرورش اجتماعی دانش آموزان، در خصوص فضای فرهنگی اجتماعی مدارس و شیوه‌های انطباق محتوی، اهداف و روش‌های تربیت اجتماعی مدرسه با واقعیت‌های جامعه پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد.

پیشنهادات

- ۱- از آنجا که بازی‌های نمایشی می‌توانند در جهت رشد حرکتی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی و رشد شناختی و عقلانی مفید واقع شوند. بهتر است که از آن به عنوان فعالیتی آموزشی در مدارس ابتدایی استفاده و در برنامه‌های آموزشی دانش‌آموزان گنجانده شود.
- ۲- از طریق بازی، می‌توان کودکانی که ناسازگار یهای رفتاری، اختلال عاطفی و روانی و مشکلات خانوادگی دارند را درمان نمود. از این نوع بازی به عنوان شیوه درمانی در مراکز مشاوره توسط روان‌شناسان و مشاوران کودک به کار برده شود
- ۳- پیشنهاد می‌شود که با شناسایی دانش‌آموزان مشکل‌دار در مدارس ابتدایی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی بازی درمانی از افزایش بروز مشکلات دانش‌آموزان پیشگیری نمود. حتی می‌توان این برنامه را در مهد کودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها به عنوان برنامه آموزشی اجرا نمود.
- ۴- با توجه به علاقه کودکان به بازی و نیز تأثیر مثبت بازی بر رشد کودک، می‌توان از بازی به عنوان وسیله‌ای برای تدریس موضوعات مختلف درسی استفاده کرد. زیرا علاقه به یادگیری در این روش افزایش می‌یابد و کلاس درس برای کودک مفرح‌تر و جذاب‌تر می‌شود.

منابع

- ۱- احمدی، سیداحمد؛ نورانی، ساغر. (۱۳۸۰). بررسی میزان تأثیر بازی‌های نمایشی (پانتومیم) در الگوپذیری مهارت‌های اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی. دانش و پژوهش علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۷، ص ۴۰ - ۲۱.
- ۲- آقاپور، سیدمهدی؛ جمشیدیها، غلامرضا؛ فرخی، احمد. (۱۳۸۵). بررسی فراتحلیل رشد حرکتی و اجتماعی. حرکت، شماره ۳۷، ص ۱۷۱-۱۵۳
- ۳- امیرتاش، علی محمد؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ عابدی، احمد. (۱۳۸۵). مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان پرسرورزشکار و غیرورزشکار دوره راهنمایی تحصیلی. نشریه المپیک، دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی (۳۴)، ص ۵۳ - ۶۱
- ۴- آریا، جمشید. (۱۳۵۹). بازی و نقش آن در رشد کودک. تهران: انتشارات دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

- ۵- اکبرلو، منوچهر. (۱۳۸۵). پرواز پروانه خیال (مجموعه نوشتار درباره تناثر کودک و نوجوان). تهران: نشر نمایش.
- ۶- الیاسی، شبم. (۱۳۸۸). بازی‌های نمایشی اهرم آموزش کودک، forum.iransalamat.com/-30057
- ۷- بهمن زادگان، مرضیه. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق داستان‌های اجتماعی بر رفتارهای اتیستیک و رشد اجتماعی کودکان مبتلا به اتیسم در شهر شیراز. پایان نامه ارشد روان شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه اصفهان.
- ۸- پورشکوری شامی، فاطمه؛ موحدی، احمد رضا؛ عابدی، احمد. (۱۳۹۰). تأثیر بازی‌های کودکان سنتی و مدرن بر رشد اجتماعی دانش آموزان دختر اول ابتدایی. فصلنامه رشد و یادگیری حرکت. دوره ۳، شماره ۷، ص ۱۴۷-۱۶۴
- ۹- پلگرینو، وایت. مارجوی، (۱۳۸۶) کودکان و مهارت‌های اجتماعی، ترجمه فروزنده داوریناه. ناشر جوانه رشد.
- ۱۰- توتکله علی پور، علیرضا. (۱۳۸۹). نقش خانواده در رشد اجتماعی کودک. نشریه شادکامی (ماهنامه روان شناسی شادکامی و موفقیت)، سال هفتم، شماره ۷۵، ص ۴۸
- ۱۱- حیدری، حسین. (۱۳۷۸). روان شناسی رشد شناختی و اجتماعی کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات رشد فرهنگ.
- ۱۲- جلیلود، مریم. غباری بناب، باقر. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر هنر نمایشی در رشد اجتماعی با آموزش رفتارهای سازشی از طریق نمایش عروسکی به دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال ۴، شماره ۴-۱، ص ۶۳-۷۸
- ۱۳- جعفری، علیرضا. (۱۳۹۳). تأثیر بازی‌های آموزشی بر رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی. فصلنامه روانشناسی تربیتی. سال دهم، شماره ۳۳، ص ۱۹۶-۱۷۳
- ۱۴- حیدری، حسین. (۱۳۷۸). روان شناسی رشد شناختی و اجتماعی کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات رشد فرهنگ.
- ۱۵- زارعی، امین؛ حسنی، کاظم. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر خانواده بر رشد اجتماعی دانش آموزان استان کرمانشاه. مجله پژوهش‌های تربیت اسلامی، شماره ۱، ص ۱-۳۱

- ۱۶- سیف نراقی، مریم؛ قبادیان، مسلم؛ نادری، عزت اله؛ شریعتمداری، علی. (۱۳۹۰). اجتماع پژوهشی روشی مؤثر در رشد اجتماعی کودکان (تفکر و کودک). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره ۲، ص ۳۷-۵۸
- ۱۷- شعاری نژاد، علی. (۱۳۸۱). نظریه‌های رشد در روان‌شناسی رشد و تکامل انسان. نشر مشهد.
- ۱۸- علیلو، احمد. (۱۳۹۲). نقش و اهمیت بازی در دوره پیش دبستانی. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، کارشناس آموزش شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی.
- ۱۹- فیض شیخ الاسلام، فائزه. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر آموزش خلاقیت نمایشی برای کودکان (الگوها، روشها، نمونه‌ها). تهران: انتشارات مدرسه.
- ۲۰- قهرمانی، جواد. (۱۳۸۵). روانشناسی در خدمت معلمان، تهران: موسسه فرهنگی منادی طبیعت.
- ۲۱- کیمیایی پور، مجید. (۱۳۸۹). روان‌درمانی با بازی‌های نمایشی. نشر کهن دژ.
- ۲۲- کرمی، ابوالفضل. (۱۳۵۶). آزمون رشد اجتماعی وایلند سیمولن، مرکز نشر روانسنجی
- ۲۳- گنجی، مهدی. (۱۳۸۳). راهنمای علمی افسردگی. نشر ویرایش.
- ۲۴- لاریجانی، زرین سادات؛ رازقی، نرگس. (۱۳۸۶). بررسی کاربردهای هنرهای نمایشی در رشد اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال هشتم، شماره ۱، ص ۴۳-۵۲
- ۲۵- محمودی میمند، فاطمه. (۱۳۹۶). تاثیر بازی درمانی با رویکرد اکسلاین بر رشد اجتماعی کودکان مبتلا به ناشنوایی. پایان نامه ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد مرودشت.
- ۲۶- معین، سمانه. (۱۳۹۱). اثربخشی بازی‌های عزت نفس بر انطباق پذیری مسیر شغلی دانش‌آموزان دختر مقطع دبستان شهر اصفهان. پایان نامه ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- ۲۷- میرزایی، اعظم السادات. (۱۳۹۰). رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری و طرحواره‌های شناختی والدین با رشد اجتماعی نوجوانان در شهر ورامین. پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت. ص ۱۳

۲۸- مقتدری، نازفر. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش ارزش‌های زندگی به کودکان پیش دبستانی بر میزان سلامت روان رشد اجتماعی آنان و خود کار آمدی والدین. پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد مرو دشت دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

۲۹- مددی زواره، سارا؛ کامکار، منوچهر؛ گلپور، محسن. (۱۳۸۶). تاثیر بازی بر عزت نفس دانش آموزان ۶-۱۱ سال نابینای آموزشگاه ابا بصیر اصفهان. دانش پژوه در روانشناسی، شماره ۳۳، ص ۱-۴

۳۰- میرزایی، اعظم السادات. (۱۳۹۰). رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری و طرحواره‌های شناختی والدین با رشد اجتماعی نوجوانان در شهر ورامین. پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرو دشت.

۳۱- محمدی سیف، معصومه. (۱۳۹۲). بازی و نقش آن در رشد اجتماعی کودک. پیام زن، شماره ۲۵۷

۳۲- محمد زاده، محمد. (۱۳۹۴). تاثیر بازی‌های دبستانی بر رشد اجتماعی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر. فصلنامه علمی-پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دوره سوم، شماره ۳، ص ۲۶۷-۲۶۹

۳۳- نسائی مقدم، بیان. (۱۳۹۰). اثربخشی روش مداخله‌ای شن بازی درمانی بر رشد شناختی کودکان ناتوان ذهنی آموزش پذیر شهر اصفهان. پایان نامه ارشد روانشناسی کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

- 34- McEvoy J, McConkey R. (1983). Play activities of mentally handicapped children at home and mothers 'perception of play. *Int J Rehabil Res*, 143, 51; (2). 6.
- 35- Malone DM ,Stoneman Z. (1990) Cognitive play of mentally retarded preschoolers :observations in the home and school. *Am J Ment Retard*.1990 Mar; 94 (5), 475-487.
- 36- Salomon MK, Garner AM. (1978). Use of play materials in treating a severely handicapped child. *Child Care Health Dev*. 4(2), 131-140.